**انقلاب اسلامى و فتنه هاى فرهنگى**

نویسنده: محمدعلى رحمانى

**مقدمه :**

ستيز با مذهب و جلوگيرى از اشاعه مذاهب آسمانى حكايتى ديرين دارد كه به روايت قرآن كريم و شهادت تاريخ، اين ستيز بى وقفه و بى هيچ گذشت و تساهل استمرار داشته است با ظهور اسلام و بعثت پيامبر گرامى آن، حضرت محمدبن عبدالله صلى الله عليه و آله يهود و نصارى به سركردگى علماى دين مايه خود كه با تحريف و كتمان حقايق اديان حضرات انبيإ سلف ( ع ) همچون حضرت موسى و حضرت عيسى در پى حكومت دنيايى يا خدمت به حاكمان دنيا مدار بودند تا توانستند بر عناد و دشمنى خويش با اسلام پاى فشردند و به فتنه انگيزى و فتنه گرى در جامعه اسلام و ايجاد تشتت در صفوف مسلمين اهتمام ورزيدند . اين تلاش ها كه به طور ويژه اى از حمايت كفار و بت پرستان جزيره العرب و سران اشراف آنان برخوردار بودند به اشكال مستقيم و غير مستقيم تجلى مى يافتند .

گاه بروز مدعيانى در امر خلافت شكل فتنه را هويت مى بخشيده است گاه با تفرقه افكنى در ميان پيروان اسلام با طرح مباحثى در باب حكومت و مشكل اعمال حاكميت ( بدون ادعا نسبت به اصل مسئله خلافت ( .

گاه با طرح مباحث عقيدتى و به زير سوال بردن اصول اعتقادى . گاه با تحريك قبايل عرب براى ايذإ مسلمانان و وارد ساختن لطمات اقتصادى و اجتماعى بر آنان .

فتنه گرى در دهه هاى نخستين تولد اسلام سبب شد در همان يكصد سال اول انشعابات مختلفى در جامعه اسلامى پديد آيد در حالى كه أمه معصومين ( عليهم السلام ) حضور داشتند و مى توانستند به عنوان نقطه رجوع امت اسلام جوابگوى قاطع همه شبهات و سئوالات در همه زمينه ها از جمله اعتقادات، احكام و مسأل حكومت باشند .

اما فتنه گران خارجى و داخلى يعنى دشمنان بى نقاب و مزدوران نقابدارى كه به ظاهر تن به پذيرش اسلام داده بودند و نيز متحجرين كج انديش و خشكه مقدس هاى مدعى تر از معصومين ( عليهم السلام ) آتش فتنه ها را مشتعل نگاه داشته و همواره بر اسلام و امت اسلام ضرباتى دردناك وارد ساختند .

لذا قابل تامل است كه خداوند متعال در قرآن كريم بيش از 50 آيه از صيغ مختلف ( فتنه ) آورده و به انواع فتن و فتنه هأى كه در فرا راه بشر است توجه داده و به علاوه آثار مخرب و ويرانگر فتنه و فتنه گرى را چه در سطح بشرى و غير اسلامى و يا در درون جامعه و امت اسلامى يادآور شده است .

حقتعالى در آيه 7 از آل عمران شيوه آتش افروزى فتنه گران داخلى امت را چنين توصيف مى كند كه آنها از موارد متشابه شبهه برانگيز و ترديد زا بهره مى گيرند و آتش فتنه را در ميان امت شعله ور مى سازند و به تعبير رساى قرآن ابتغإ الفتنه ايجاد گمراهى فساد در دين اقشار و جامعه و ايجاد ترديد در باورهاى خلق مستضعف .

**(فاما الذين فى قلوبهم مرض فيتبعون ما تشابه منه ابتغإ الفتنه.)**

بدون ترديد همانگونه كه گفته شد متن واقعه و چهره هاى پليدى كه در صدر اول در جبهه داخلى عامل آنهمه انحراف و انشعاب شدند و با نفى ولايت معصومين عليهم السلام با انبانى از باورهاى پسمانده جاهلى و برداشتهاى شخصى و تك بعدى از اسلام سنگ بناى همه كجرويها گرديد و به يك جريان ماندگارى تبديل گشت .جهت اطلاع بيشتر به نقش و تإثير فتنه گرى در باورهاى اصولى در قرن اول اسلام و در نتيجه فرق و گروههايى كه بوجود آمد مراجعه شود به كتاب ارزشمند جاذبه و دافعه آيه الله شهيد مطهرى رضوان الله تعالى عليه .

**فتنه گرى در عهد معاصر**

همان گونه كه شهيد مطهرى خط فتنه گرى و انحراف در تفكر دينى را ترسيم مى كنند مذهب خارجى گرى كه در تمامى قرون و اعصار اسلامى به نوعى حضور داشته است در زمان معاصر به صورت حسى گرايى در آثار نويسندگان روشنفكر دنياى اسلام به چشم مى خورد .

بديهى است تمام روشنفكران مسلمان عامل دشمنان اسلام نبوده اند و گرايش آنان به مكتب حسى گرى ناشى از انقطاع آنان از مجراى اصولى آشنايى با اسلام بوده و بعضا نيز با حسن نيت عمل كرده اند، ليكن كجراهه رفته اند . از اين گروه كه بگذريم فتنه گرى در دين همواره تحت حمايت دشمنان اسلام و استكبار جهانى بوده است و در دهه هاى اخير هر از چندى به صورت نشر عقايد باطله و سخيف منتسب به اسلام يا نشر عقايد انكارى نسبت به مسلمات دين هدف اضمحلال تدريجى باورهاى دينى را دنبال نموده است . بروز چهره هايى مانند احمد كسروى در تاريخ ايران را بايد در همين راستا مورد مطالعه و تدقيق قرار داد .

به دنبال پيروزى انقلاب اسلامى و پس از آزمون روش هاى متفاوت مقابله با انقلاب و پاسخ نگرفتن از آنها، بنيان هاى مكتب انقلاب مورد هجمه قرار گرفت، اين در حالى است كه شهيد مطهرى در اين خصوص معتقدند :

(. . . مساله اصلى استعمار است، استعمار سياسى و اقتصادى . آنگاه توفيق حاصل مى كند كه در استعمار فرهنگى توفيق بدست آورده باشد . بى اعتقاد كردن مردم به فرهنگ خودشان و تاريخ خودشان شرط اصلى اين موفقيت است . استعمار دقيقا تشخيص داده و تجربه كرده است كه فرهنگى كه مردم مسلمان به آن تكيه مى كنند و ايدئولوژى كه به آن مى نازند، فرهنگ و ايدئولوژى اسلامى است .

باقى همه حرف است و از چهار ديوار كنفرانس ها، جشنواره ها، كنگره ها و سمينارها هرگز بيرون نمى رود و به متن توده نفوذ نمى كند . پس بايد مردم از آن اعتقاد و از آن ايمان و از آن اعتماد و حسن ظن تخليه شوند . تا آماده ساخته شدن طبق الگوهاى غربى گردند.)

(بخشى از مقدمه كتاب كتابسوزى در مصر و ايران)

بنابر اين استكبار جهانى شبيخون به فرهنگ و باورهاى اسلامى را با همان هدف جداسازى جامعه اسلامى از تكيه گاه ركين و محكم خويش يعنى باورهاى اسلامى و دينى و حرمت مقدسات الهى دنبال مى كند، و آنچه در بيست سال اخير شاهد آن بوده ايم از قبيل نشر كتاب آيات شيطانى در شمارگانى ميليونى با اهداف زير بوده است :

1. حمله به جايگاه والا ومقدس اعتقادى مسلمين نسبت به شخص پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله . اين اقدام زشت و شنيع با انتشار كتاب موهن آيات شيطانى به اوج خود رسيد و گرچه با عكس العمل شديد جهان اسلام از جمله صدور حكم اعدام نويسنده مرتد آن سلمان رشدى توسط حضرت امام ( ره ) مواجه گرديد، معذلك با دستهاى آشكار و پنهان استكبار جهانى در كشورهاى اسلامى همچون تركيه نيز ترجمه و توزيع شد.

پس از آن، صهيونيسم جهانى براى آنكه خود را از فشار موج اتهام دشمنى بااسلام تا حدودى برهاند به عذر بدتر از گناه دست يازيد و كتابى ديگر پيرامون مسيحيت حاوى اهانت به مقام مقدس حضرت مسيح ( ع ) تدارك ديده و منتشر ساختند تا چنين وانمود كنند كه بسيار باز ! با مسئله مذهب و اوليإ مذهبى برخورد مى كنند.

بديهى است استكبار جهانى كه پس از ظهور انقلاب اسلامى از ناحيه دين خود را مخروب و متضرر ارزيابى مى كرد، بدين ترتيب و با اهانت به اركان دين از جمله ركن نبوت و عصمت انبيإ در نظر داشت اساس دين را در باور جوانان تضعيف ساخته و به تبع آن زمينه حكومت بر اساس ولايت دينى را منتفى نمايد . روشن است كه استكبار با وهن پيامبران كل مبارزات اوليإ خدا جهت تحقق عدالت الهى و اجتماعى در زمين و ارزشهايى چون ايثار و شهادت و انفاق و احسان را مورد ترديد قرار مى داد

1. جمهورى اسلامى كانون توجهات مسلمانان و مستضعفان و محرومان جهان است و خورشيد اين نظام همانا نام مقدس حضرت امام خمينى ( رضوان الله تعالى عليه ) است.

همزمان با يكصدمين سالگرد تولد آن بزرگوار، استكبار بر آن شد تا از عظمت نام حضرت امام (ره) در افكار عمومى بكاهد و يكى از اين راهها تكرار حركاتى شبيه به نشر كتاب آيات شيطانى بود. اين بار اين اقدام توسط نويسندگان معلوم الحال و بى هويت در مطبوعات انجام گرفت. نفوذ انديشه هاى آلوده به داخل مرزها و سوء استفاده از فضاى آزادى مطبوعات اضافه بر نيل به هدف شوم فوق هدف ديگرى را نيز مد نظر داشت كه عبارت بود از تحديد مجدد فضاى ارأه انديشه ها و جلوگيرى از توفيق دولت در توسعه سياسى . بدين روال استكبار سكه اى را به هوا پرتاب كرده بود كه با هر روى به زمين فرود آيد به نفع اوست .

**روى اول اهانت به مقدسات دينى و مبانى مذهبى**

روى دوم بستن فضاى باز و آزاد براى ارأه انديشه ها و آرإ و سپس متهم ساختن جمهورى اسلامى به استبداد دينى ! در همين راستا با وجود خويشتن دارى سنگربانان ايدئولوژيك جهان اسلام برخى مطبوعات ان شإ الله ندانسته در اين دام افتاده و در تحقق اهداف استكبار در بخش شبيخون فرهنگى به بستر سازى و زمينه سازى پرداخته و در اختيار اين نيات شوم قرار گرفته اند .

يكى از مباحثى كه در اين خصوص مورد توجه است معرفى چهره اى غيرواقعى از انقلاب و حضرت امام ( ره ) به نسل آينده است از جمله اينكه اصولى را كه حضرت امام ( ره ) با استخراج آنها از متن دين و معارف عاليه اسلام براى نجات جامعه امروز بشر به عنوان اصول انقلاب اسلامى مطرح فرمودند چنين وانمود مى نمايند كه اين اصول در مكاتب سياسى فلسفى ديگر همچون ماركسيسم وجود داشته است؛ مباحثى همچون عدالت اجتماعى، استضعاف، استكبار و . . .

در حاليكه حتى مطالعه اجمالى احكام و تعاليم اسلام، بيان اين مفاهيم در 14 قرن پيش از لسان وحى رااثبات مى نمايد و چگونه مى توان ادعا نمود ماركسيسم مولود صهيونيسم كه امتحان خويش را نيز طى دهها سال حاكميت بر بخشهاى بزرگى از جهان پس داده است مبدع و مبتكر اين مباحث است؟

اقتصاد اسلامى حاوى كامل ترين و انسان مدارترين احكام و نظريات است و طرح مباحثى همچون مالكيت، كار، سرمايه، اجاره، مضاربه، مزارعه، خمس، زكات و . . . در اسلام و در ابواب فقه شيعه دلالت بر كمال نظرات اسلام در اين زمينه ها دارد .

آيات عديده اى از قرآن كريم حاوى مضامين اقتصادى همچون تعديل ثروت، منع اسراف، منع تكاثر، اداى احور، اخلاق اقتصادى، انفال و ثروتهاى عمومى، ارث و احكام آن، تعميم ثروت، مشاغل محرمه و مشاغل محله، ربا و مرابحه مى باشد .

با جستجو در قرآن كريم درمى يابيم كه 70 مورد كلمه استكبار و مستكبرين و از اين ماده با همين مفهوم و همچنين 15 مورد مستضعفين و استضعاف آمده است .

آيا با وجود اين آيات، آنان كه جاهلانه و معاندانه مى كوشند انديشه هاى اقتصادى حضرت امام (ره) برگرفته از متن اسلام را به مكاتب مضمحلى همچون ماركسيسم منسوب نمايند همانند كبكى نيستند كه سر خود را بر برف فرو برده است؟

نمى توان باور نمود قلم به مزدان اجانب گرا نسبت به افكار و انديشه هاى حضرت امام (ره) اينقدر نادان باشند، بلكه در وجه غالب حكم بر خصومت و دنأت آنان مترتب مى گردد .

اما اين شبيخون فرهنگى و اهانت به مقدسات دينى به همين جا ختم نگرديد و پس از تلاش استكبار براى كاستن عظمت حضرت امام (ره) در افكار عمومى آنهم در سال حضرت امام (ره) بار ديگر توسط عناصر پشت پرده و با سوء استفاده از افراد آشكارى به تكوين هجمه همه جانبه به مقدسات پرداخته و با حركت خزنده ارزش ستيزى و تقدس زدايى و تمسخر اصول اسلام ناب محمدى (صلى الله عليه وآله) و با نيتى پليد در نشريه موهن (موج) ارگان انجمن اسلامى دانشجويان دانشگاه صنعتى اميركبير به حضرت مهدى ارواحنا لتراب مقدمه الفدإ اهانت نمودند.

اين موضوع كه در راستاى تقدس زدايى بود، اگر به بار مى نشست، آغاز فتنه اى جهت جدايى بين حوزه و دانشگاه بود يعنى كارى كه بيش از پنجاه سال خاندان سلطنت پهلوى بر اين جداسازى فرهنگ و دين و حوزه و دانشگاه اقدام نموده بودند و حضرت امام (ره) اين جدايى را با نفس مسيحايى خويش مبدل به يك وحدت ناگسستنى كرد كه مظاهرش را در انقلاب و بعد از انقلاب در عرصه هاى جهاد و شهادت ملاحظه نموديم .

از سوى ديگر چنين فتنه هايى از سوى دشمنان علاوه بر دين ستيزى و ايجاد اختلاف بين حوزه و دانشگاه، باعث ايجاد تشنج و پيامد آن به هم خوردن آرامش در جامعه مى گردد . و به همين دلايل بود كه موجى از خشم و نفرت آحاد جامعه بويژه مراجع عظام، علمإ، طلاب و دانشجويان را موجب گشت .

وظيفه ما در اين مقطع حساس بسيار سنگين است و بايد ضمن پرهيز از هر گونه تشنج در جامعه، با حفظ وحدت و يكپارچگى در مقابل اين توطئه هاى فرهنگى دشمنان قاطعانه بايستيم و اجازه ندهيم كه اصول و ارزشهاى اسلامى و مقدسات دينى ما را مورد هجمه قرار دهند و آنها را تضعيف نمايند .

و اينجاست كه وظيفه همه ارگانهاى فرهنگى، اطلاعاتى و امنيتى است كه دستهاى پشت پرده و باندها و گروههاى اصلى را شناسايى و به مراجع ذيربط ارجاع دهند و وظيفه نيروى انتظامى بعنوان پاسداران دستاوردهاى انقلاب اسلامى كه در همه جا حضور دارند اين است كه با هوشيارى كامل و طبق قانون و بدون ايجاد هر گونه تشنج در جامعه عوامل مفسده انگيز را به صورت قاطع كشف شناسايى و به مقامات صالحه معرفى نمايد .

البته اين تنها ما نبوده ايم كه با اينگونه خصومتها از ناحيه فرهنگى و تبليغات مكتوب و فتنه گران در انديشه و افكار مواجه بوده و هستيم بلكه جهان اسلام از جمله جهان عرب نيز سالهاست از اين گونه مشكلات در رنج است و اين بيانگر عمق و ابعاد تاريخ توطئه است . ليكن انقلاب اسلامى و رهبريت آن در دو دهه اخير بيش از ديگران مورد هجوم قرار گرفته است براى تذكار اين عمق و سوابق آن در جهان اسلام فرازى از كتاب محمد محمود صواف تحت عنوان نقشه هاى استعمار در راه مبارزه بااسلام را كه در سال 1346 با ترجمه مرحوم حجه الاسلام سيدجواد هشترودى به چاپ رسيده است نقل مى كنيم .

(با توجه به اهميت كتاب فوق الذكر، مخاطبين را به مطالعه آن دعوت مى كنيم.)

استعمار حيله گر دست از بدانديشى و تجاوز برنداشته است . او حيله گر ترسوئى است كه نمى خواهد از خارج مرزها مسلمانان را مورد حمله قرار داده و در قيافه دشمن با آنها روبرو شود . عادتe او بر اين است كه در هر جا كه نفوذ پيدا كرد حملات خود را از داخل مرزها آغاز كند و در داخل كشورها با مردم بجنگد، او هميشه كوشيده است تا عده اى از هم ميهنان ما را به استخدام خود درآورده و از افرادى كه با ما هم زبان بوده و در ميان ما به سر مى برند بهره بردارد .

استعمار با كوششهاى پيگير به تربيت آنان پرداخته است و در مورد افرادى كه از تربيت آنان نااميد گشته بهر وسيله ممكنى قلب و عقيده شان را خريده است و اين چنين مزدوران و فارغ التحصيلان خود را در راه مصالح و منافع خويش به كار انداخته است تا آنان به ثناگويى و ستايش استعمار پرداخته و اربابان خود را تقديس كنند .

سپس آنان را در مراكز رهبريهاى سياسى و فكرى و اجتماعى وارد كرد و از همين جا است كه آنان كوشش خود را شروع و به اجراى برنامه هاى خطرناك خود مى پردازند، از اربابان خود الهام گرفته و راه را براى بهره بردارى آنان هموار مى نمايند .

بعضى از روزنامه نويسان و اديبان ما كه حامل ادبيات پيش پا افتاده اى هستند و همچنين شخصيتهاى رذل و قلمهاى مسموم و نشريات مزدور را مى توان نام برد كه ضمير و باطن خود را به استعمار فروخته و در راه خيانت و ويران كردن مبانى اخلاقى و معنوى ما گام برمى دارند و با فتنه انگيزيها و فريب كارىها و اجراى برنامه هاى خرابكارانه، جوانان ما را به سوى فساد و بى دينى كشانيده با انتشار مطالب بى پايه و رومانها و داستانهاى ديوانه كننده اى افكار و روان آنان را آلوده مى سازند .

جناياتى را كه اين عده براى نابودى ما انجام داده اند هيچ يك از لشگركشيها و حملات نظامى دشمن انجام نداده است . من با يك تاسف عميق باطنى، اكثر روزنامه هاى ممالك اسلامى و از جمله ممالك عربى را مى بينم كه آنان در مسير نقشه هاى استعمار گام برداشته، دانسته يا ندانسته جوانان ما را از ترقيات روحى و اخلاقى محروم نموده و روح اسلام را در باطن آنان نابود مى سازد .

اصولا صاحبان جرأد مزبور براى اسلام فكر نمى كنند گويا آنان در ميان مسلمانان به سر نمى برند و يا اساسا سرزمين ايشان سرزمين اسلامى نيست، همين روزنامه ها است كه با زورگويان و ستمگران همكارى نموده و زبان گوياى آنان به شمار مى روند، به يارى هر دعوت باطلى مى شتابند و علنا با دعوت حق مى جنگند بنام آزادى، آزادى را مى كشند و در پناه استعمار و نقشه هاى شومش پيش مى روند البته بديهى است كه صاحبان دلهاى زنده اى نيز در ميان روزنامه نگاران پيدا مى شود كه بايد آنها را استثنا كرد .

مايه تإسف است كه روزنامه هاى ما همواره انديشه هاى باطل را ترويج مى كنند . مخصوصا طرز فكر غلطى را كه انقلاب فرانسه آن را بوجود آورد ونامهاى به ظاهر خوش و فريبنده اى را بر آن نهاد مانند . آزادى عقيده، آزادى مطبوعات، آزادى فرد، و نظاير اينها، همه اينها در واقع وسيله اى است در دست يهود بين المللى براى منحرف ساختن اجتماعات و نابودى همه اديان و جلوگيرى از ترقيات روحى و معنوى، تا بهتر بتواند با چنگال سيطره خود جا بازكند .

دكتر محمد حسين استاد كرسى ادبيات عربى نو در دانشگاه اسكندريه مقالاتى در مجله (الازهر) منتشر ساخته و سپس آنها را به صورت كتابى بنام (فى وكرالهدامين) درآورده است. در پاورقى صفحه 8 كتاب مزبور چنين مى نويسد: بسيارى از مردم آگاه نيستند كه شعار (آزادى، برادرى، برابرى) كه شعار انقلاب فرانسه يهود مى باشد زأيده تصميماتى است كه كنفرانس (بوردو فراماسونى) براى فريب دادن به اقليت يهود بوجود آورده است، همين شعار در دست دلالان يهود عنوانى است براى بالابردن سطح فساد و در هم شكستن قدرت كليسا و هر زشتى را به نام آزادى تجويز نمودن، شعارى است كه مسيحيان را به حمايت از اقليت يهود برمى انگيزد تا از راه مساعدتهاى مالى و به نام برادرى و برابرى توجه مسيحيان را نسبت به اقليت يهود جلب كند . در ميان اوهامى كه يهود ترويج مى كند آنچه بيش از همه مايه تعجب است ومردم را در برابر خود به خضوع واداشته اين است كه به روزنامه اسم (صاحبه الجلاله) نهادند و سپس پيرايه هاى مقدس مآبانه و عوام فريبى را برآن بستند تا هر حيله اى را بآسانى به مرحله اجرا درآورند.

منبع: وبگاه آوینی